



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه شانزدهم - ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۹

آیہ « دھم » :



وَالْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

(رحمن/۱۰)

و او، «زمین» را

برای مخلوقاتِ «با شعور» قرار داد.

« خصوصیاتِ » زمین کدامند؟

۱- زمین، « فسادپذیر » است:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ.

۲- زمین برای انسان، « فراش » است:

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا.

۳- زمین برای انسان، « مه‌د آمادگی » است:

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا؟

۴- زمین، برای هر زنده و مرده‌ای، « جا » دارد:

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَ أَمْواتاً

۵- تمام محتویاتِ زمین، « برای انسان » است:

خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا.

۶- « انسان، خلیفه خداوند » در زمین است:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.

۷- زمین مثل آسمان‌ها، « غیب » دارد:

إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۸- زمین، « قرارگاه » انسانست:

وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.

۹- زمین، « محل رویشِ انواع گیاهان » است:

مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِثَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا.

۱۰- زمین، « شخم می خورد:

لَا ذَّلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ.

۱۱- زمین، فقط « مال خداوند » است:

أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۱۲- زمین، (مثل آسمان) « بدیع » است:

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۱۲- زمین، « می میرد » و با آب، « زنده » می شود:

أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

۱۴- زمین، « خوردنی های حلال دارد » :

كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا.

۱۵- خداوند بر تمام زمین، « إحاطه » دارد:

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ.

۱۶- هیچ چیز زمین، برای « بازی و سرگرمی » نیست:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ.

۱۷- زمین، « موزه است »:

فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

۱۸- خلقت زمین، « باطل » نیست:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا

۱۹- زمین، « برای مهاجرت، وسعت دارد »:

أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ فَتُهَاجِرُوا فِيهَا.

۲۰- زمین، « مراغم کثیر » دارد:

يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرَاغِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً

۲۱- زمین، « ظلمات » دارد:

وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ.

۲۲- زمین (مثل آسمان)، « ملکوت » دارد:

مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۲۳- زمین (مثل آسمان)، « برکات » دارد:

اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

۲۴- برخی در زمین، « فتنه‌انگیز » هستند:

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ.

۲۵- زمین، « محل نمایش فریبنده ابلیس » است:

لَا زَيْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غَوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ.

۲۶- زمین، « امین » دارد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

۲۷- زمین، بالاخره به « افراد مؤمن و شایسته » می‌رسد:

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.

۲۸- چیزهایی در زمین، « داخل و خارج » می‌شوند:

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا.

۲۹- برخی در زمین، « سرگردان » هستند:

فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ.

۳۰- زمین (مثل آسمان)، « خزائن » دارد:

بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۳۱- زمین، بی تحرک است اما با آب « به اهتزاز و رویش در می آید:

أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ.

۳۲- زمین، « ظاهری فریبنده » برای « آزمایش » انسان دارد:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ « زِينَةً » لَهَا « لِنَبْلُوهُمْ ».

۲۳- زمین، باید « آباد » شود:

وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ.

۲۴- زمین، با « فقر »، « خراب شدن » است:

وَإِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِغْوَارِ أَهْلِهَا.

۲۵- برخی در زمین، « بد مستی » می کنند:

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ.

۲۶- « امر الهی » دائما بر هر یک از ساکنین زمین می بارد:

فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ كَقَطَرَاتِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ.

۳۷- زمین، قاره‌ها و محصولات باغی و زمینی مختلفی دارد:
وَ فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ ...

۳۸- زمین، از « مکه » گسترش پیدا کرده است:

وَ الْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا.

۳۹- برخی روی زمین، « تواضع » دارند:
يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا.

۴۰- اما برخی روی زمین، « تکبر » دارند:
وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ.

۴۱- برخی بر روی زمین، به ناحق «سلطه‌گری» می‌کنند:
فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ.

۴۲- برخی بر روی زمین، به ناحق «فزون طلب» هستند:
يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ.

۴۳- زمین، «تکان‌های شدید» دارد:

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا.

۴۴- «تنگناهای» زمین، با «إِسْمَ أَعْظَمَ» باز می‌شود:

وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِّلْفَرَجِ، انْفَرَجَتْ.

۴۵- زمین، برای « انسان » گسترده شده است:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا.

۴۶- مستضعفین لایق، « پیشوایان » زمین می شوند:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً.

۴۷- زمین، محل « رشد و رویش انسان » است:

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا.

۴۸- بالاخره زمین، « اسرار و اخبار » خود را آشکار می کند:

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا.

آیة « ۱۱ و ۱۲ »:



وَالْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ (١٠)

۱- فَاكِهَةٍ،

۲- وَالنَّخْلِ ذَاتُ الْأَكْمَامِ، (١١)

۳- وَالْحَبِّ ذُو الْعَصْفِ،

۴- وَالرَّيْحَانِ، (١٢)

فِيهَا:

در آن میوه و نخلها با خوشه‌های غلافدار و دانه‌های پوستدار و گیاهان خوشبو هستند.

شاید « وَ الْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ »،

تصویری از « بدن » و « روح » انسان است

که « ۱- فَاكِهَةٌ، ۲- وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ،

۳- وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ، ۴- وَالرَّيْحَانُ » را

در خودش دارد و باید آنها را « شکوفا » کند.

یعنی: ای « انسان »، خودت یک « باغی » و باید:

۱- **فَاكِهَةٌ**، میوه بدهی و مفید و شاداب باشی. (بیهوده نباشی.)

۲- **وَالنَّخْلُ** ذاتُ **الْأَكْمَامِ**، دائما خود را پالایش و پاک

کنی و « ذهنیته‌ها و وسوسه‌ها » را از خود دور کنی

ثا « ثمر » تو که در « غلاف » است شکوفا شود.

و: ۲- وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ، « دانه محبت و عشق »،

در فطرت دوست که « تمام نیازمندیهای » تو در بروز
آن است و تو باید آن را عاقلانه از خود « شکوفا » کنی.

این دانه، در « برگی » پوشیده شده که کارش،

« حفاظت » از « زندگی » است.

که اگر آن « دانه عشق و محبت » تو،
« تسلیم » یگانه « محبوبِ عالم » شود،

۴- وَ الرُّيْحَانُ «

سرشار از « روحیه و رائحهٔ رحمانی » می‌شوی
و به بالاترین مرتبهٔ « وساطت و تجلی » می‌رسی.

فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

(رحمن/۱۳)

پس شما (جن و انس) با چنین «رشدی»،

کدامیک از آلاء خدایتان را دروغ می‌شمارید؟

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى؟

(نجم / ۵۵)

پس با چنین «رشدی»،

به کدام «آلاء» ربوبیت خدایت تردید می کنی؟

سيزده آيه در يك «**قاب**»:

* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الرَّحْمَنُ (١) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (٨)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ

وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (٥)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (٧)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)





الحمد لله الذي جعل لنا ملية كريمة وولاءة علي بن ابي طالب

مهاجر خدا را که ما را از جنه داری جویباری به ولایت

امیرالمؤمنین امام علی (ع)

تقریر



خدایا؛

ما را از « **صادقین** و **مؤمنین** »

و رعایت کنندگانِ « **حق** » قرار ده

و از هر نوع **دروغ** و **تکذیبی** حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیممان کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

